



گزارش نقد کتاب در مرکز اسناد دفاع مقدس

■ نقد و بررسی کتاب «ریشه‌های تهاجم»*

نشست بررسی و نقد کتاب «ریشه‌های تهاجم» اثر دکتر فرهاد درویشی در پایگاه اطلاع‌رسانی جنگ برگزار شد. «ریشه‌های تهاجم» از کتاب‌های منتشر شده مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ در سال ۱۳۷۸ است که چاپ جدید آن در سال جاری به بازار آمده است.

دکتر حسین اردستانی، رئیس مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، در ابتدای این نشست گفت: «بررسی و نقد کتاب‌های علمی، کلاسیک و دانشگاهی از جایگاه منحصر به فردی برخوردار است. زیرا پیشرفت علم در نقد کتاب‌های مربوط به حوزه‌های متفاوت آن است و نقد آثار مربوط به تصمیم‌گیری جنگ، در حوزه علوم انسانی قرار دارد. به این دلیل، این حوزه حوزه تک‌گویی نیست.» وی در خصوص برگزاری جلسات نقد کتاب در مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ گفت: «کتاب‌هایی که استعداد نقد پذیری داشته باشند از این پس در این مرکز مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرند و این شامل کتاب‌هایی که در خارج از این مرکز به چاپ رسیده نیز می‌شود.» دکتر اردستانی با ابراز این مطلب که نکته مهم در بررسی، توجه به متن کتاب است نه موضوع کلی جنگ، گفت: «موضوعاتی که مورد نقد قرار می‌گیرند، ساختار، سوالات، فرضیه‌ها، استحکام و انسجام متن، استدلات، منبع‌شناسی و لحاظ کردن روش تحقیق کتاب است.

دکتر درویشی نویسنده کتاب «ریشه‌های تهاجم» با

* این گزارش و گزارش بعدی توسط خانم زهرا ابوعلی تهیه شده است.

اشاره به سال‌های تجدید چاپ این کتاب گفت: «چاپ اول این کتاب در سال ۱۳۷۸ و چاپ دوم در سال ۱۳۸۰ و چاپ سوم در سال ۱۳۸۴ بوده است. ولی متأسفانه بدون اطلاع نویسنده این کتاب را تجدید چاپ کردند. هر کتاب بعد از سال‌ها به تجدید نظر و نظرات اصلاحی نیاز دارد. وی با اشاره به این که روند اصلاح پذیری از دل نقدپذیری بیرون می‌آید افزود: «منتقد باید جانب انصاف را در کار خود رعایت کند و نقاط ضعف و قوت را توأمأ مورد ارزیابی قرار دهد. همچنین شرایط و متغیرهای زمانی را که کتاب به رشته تحریر درآمده، مورد توجه قرار دهد.»

درویشی در ادامه، بررسی و تحلیل جنگ ایران و عراق را وظیفه اصلی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ ذکر کرد و گفت: «با همین سیاست، یک دوره پنج جلدی با عنوان تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق در دست تألیف و انتشار قرار گرفت.» به گفته وی، «تصمیم‌گیری درباره تألیف این مجموعه پنج جلدی، به زمانی باز می‌گردد که مسئولان دوره عالی جنگ سپاه، یعنی عالی‌ترین مقطع آموزشی در این نهاد، از آقای محسن رضایی، فرمانده وقت سپاه، دعوت کردند تا بحث تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق را برای دانشجویان دوره دکترای مطالعات جنگ تدریس کند. به پیشنهاد وی، گروه تحقیقی برای تهیه متون مورد نیاز این درس، تشکیل شد. این گروه، متشکل از آقایان حسین اردستانی، محمد درودیان، حسین سلامی، مجید مختاری، رسول یاحی،



محسن رشید و بنده بود. این گروه، مباحث مطرح شده در کلاس‌های درس را مورد بازبینی قرار داد و به نگارش مجدد آن اقدام کرد. مباحث، به پنج گروه سپرده شده بود تا مورد ارزیابی قرار گیرد. موضوع ریشه‌های تهاجم، به اینجانب، آغاز تهاجم عراق به ایران، به محمد درودیان؛ مباحث تنبیه متجاوز، به حسین اردستانی؛ بررسی ورود مجدد عراق به خاک ایران پس از آتش بس، به مجید مختاری؛ و بالاخره تثبیت

دستاوردهای جنگ، به سردار حسین سلامی سپرده شد. وی افزود: «پس از سال‌ها که از تحقیق و نگارش این پنج پروژه می‌گذرد، دو عنوان از این تحقیقات از جمله تثبیت دستاوردهای جنگ و ورود مجدد عراق به خاک ایران پس از آتش بس، بنا به دلایلی به مرحله چاپ و انتشار نرسیده است.»

درویشی در ادامه با اشاره به اهمیت کار تحقیقی کتاب ریشه‌های تهاجم گفت: «به دلایلی لازم بود که این کتاب با سرعت به نگارش و چاپ برسد، به همین دلیل از دوستانی برای کمک به تدوین این کتاب دعوت به همکاری کردم.» وی در خصوص مبنای سازماندهی و اهمیت کار گروه تحقیقاتی این کتاب گفت: «همه ما نظریه مشترکی درباره جنگ داشتیم. در مورد جنگ، نظریه‌های متفاوتی وجود داشت. همه ما به این نتیجه رسیده بودیم که هیچ وقت جنگی اتفاق نمی‌افتد، مگر این که یک کشور احساس کند به اهداف و منافع مورد نظر خود به صورت مسالمت آمیز دست نخواهد یافت و به همین دلیل تصمیم می‌گیرد از طریق خشونت آمیز برای کسب منافع خود تلاش کند. همچنین کشور حمله کننده باید شرایط ملی و بین‌المللی را با اهداف خود هم سو و امید به موفقیت در جنگ را پیش بینی کند. به همین دلیل ساختار کتاب ریشه‌های تهاجم را بر اساس سرفصل‌هایی، از جمله بررسی

علل وقوع جنگ ایران و عراق، پیشینه تاریخی روابط و اختلافات ایران و عراق، وضعیت نظام بین‌الملل در آستانه جنگ ایران و عراق، بررسی وضعیت داخلی جمهوری اسلامی ایران و عراق در آستانه جنگ و بالاخره تمهیدات سیاسی و نظامی عراق برای آغاز جنگ قرار دادیم.»

عباس ملکی، از کارشناسان روابط بین‌الملل و یکی از منتقدان این کتاب در ابتدا با اشاره به صفحه ۱۳ این کتاب که در آن ادعای عراق برای مالکیت بخش‌هایی از کشور ایران ذکر شده، گفت: «با توجه به کتاب‌های متعددی که از طرف کارشناسان و محققان غربی نوشته و به چاپ رسیده است، این بحث همواره مورد توجه بوده که هدف صدام از آغاز جنگ با ایران چه بوده است. مسلماً یک جنگ، هدف‌های اصلی و فرعی زیادی دارد. ولی چیزی که محققان باید مورد توجه قرار دهند این است که هدف اصلی و مهم را بررسی کنند.»

وی در ادامه گفت: «اگر فکر می‌کنیم که عراق به دلیل از بین بردن انقلاب اسلامی یا تصمیم‌گیری ژئوپولیتیکی به ایران حمله کرد، باید این دو اصل را مجزا کرده و در بررسی‌ها، هر یک را جداگانه مورد ارزیابی قرار دهیم.»

ملکی، از دیگر نکات محتوایی کتاب، حمایت آمریکا را از عراق ذکر کرد و گفت: «در این مسأله که شرق و غرب

جنگ است مورد بررسی علمی قرار می‌گیرد، ابراز خوشحالی کرد و گفت: «به نظر من در کشوری که بسیاری از مولفه‌های اساسی‌اش به فراموشی سپرده شده است، بررسی علمی جنگ، کاری بسیار تحسین برانگیز است؛ هرچند؛ آثاری که در باره جنگ در ایران، در مقایسه با دیگر کشورهای جهان نوشته شده، بسیار محدود است.» وی در ادامه گفت: «ماهیت و بدنه اصلی این جنگ روی گروه‌های اجتماعی نامنظم استوار بود، اما در دوران پس از جنگ نتوانستیم فضایی را به وجود آوریم که مطالعات جنگ را به حوزه‌های دانشگاهی برسانیم و ماهیت آن را نسل به نسل منتقل و به یک وضعیت حماسی تبدیل کنیم، زیرا واقعیت جنگ برای جامعه و ملت ایران و برای نسلی که در جنگ حضور داشتند کاملاً ماهیت حماسی داشته است و در این راه مجموعه‌هایی با حداقل امکانات توانستند در یک فضای خاص نظام بین‌المللی و صرفاً براساس اعتقاداتی که در ایمان انقلابی آنها وجود داشت، کار را پیش ببرند.»

دکتر متقی با اشاره به آزادی خرمشهر گفت: «هیچ وقت یاد نمی‌رود که وقتی خرمشهر آزاد شد، رادیو بی.بی.سی طی گزارشی اعلام کرد که امروز نوجوانان ایرانی از روی سینه زنرال‌های سابقه‌دار عراقی گذشتند و خرمشهر را آزاد کردند. همین عبارت نشانگر این است که جنگ تا چه حد با روح فداکاری و اعتقادات، همراه بود. باید همان نگاه در دوران بعد از جنگ به صورت جدی به حوزه‌های دانشگاهی منتقل شود. امروز وقتی که به فضای دانشگاهی مراجعه می‌کنیم، حتی دانشجویان دوره‌های فوق‌لیسانس، چیزی به نام خاطرات جنگ در ذهن‌شان نیست. یعنی موضوعی به نام خاطرات جنگ، وجود ندارد. در حالی که امروزه در تئوری‌های روابط بین‌الملل، نظراتی ارائه شده که ماهیت آنها مقاومت محور است. همان‌گونه که رئالیست‌ها نظرات قدرت محور را ارائه دادند و بحثش این است که قدرت به مثابه مقاومت است. همچنان که در جهان صنعتی غرب، واقعیت سیاسی و استراتژیکی کشورها تابعی از قدرت محسوب می‌شود، در کشورهای پیرامونی، این توان مقاومت است که می‌تواند فضای لازم را برای هویت ایجاد کند.»

وی با اشاره به روایانی که در چهارچوب دفتر سیاسی در دوران جنگ فعالیت می‌کردند، گفت: «آنها توانستند

حامی صدام بودند شکی نیست. اما این سوال مطرح است که آیا عراق با حمایت آمریکا جنگ را آغاز کرد یا نه؟ که در این کتاب برای پاسخ به این سوال منابع قابل اطمینانی ذکر نشده است.»

وی همچنین گفت: «آمریکا بعد از وقوع انقلاب اسلامی ایران تا سال ۲۰۰۱ در مشکل عجیبی قرار گرفته بود. نمی‌دانست مظهر و منشاء افراط‌گرایان مسلمان چه کسانی هستند. به همین دلیل و برای شناخت این مسأله، در دانشگاه شیکاگو جلسات نقد و بررسی برگزار کرد و پژوهش و تحقیقات و کتاب‌های متعددی را در این زمینه به چاپ رساند. آنها با توجه به مسأله‌گروگان‌گیری و حمله به ستاد تفنگداران امریکایی در بیروت، این وقایع را مورد ارزیابی قرار دادند که همین مسأله را می‌توان به عنوان یکی از دلایل حمایت غرب از صدام، مورد بررسی قرار داد. زیرا امریکا و فرانسه در دوران جنگ به خصوص در اواخر جنگ بی‌محابا از عراق حمایت می‌کردند.»

عباس ملکی با اشاره به صفحه ۴۶ این کتاب که در آن نوشته شده «عراق در روابط بین‌المللی، همواره به یک تکیه‌گاه احتیاج داشت»، گفت: «آیا به راستی صدام به یک تکیه‌گاه نیاز داشت؟ و تکیه‌گاه او بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۳ چه کشوری بوده است؟ اینها پرسش‌هایی است که در این کتاب به آنها جواب داده نشده است.»

در بحث انتقادات محتوایی، ملکی با اشاره به صفحه ۴۷ و مضمون این مطلب که با انعقاد قرارداد ۱۹۷۵، اسرائیل می‌توانست از پشتیبانی‌های گسترده دولت شاهنشاهی ایران بهره‌مند شود، گفت: «نمی‌دانم با انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ بین ایران و عراق چه حمایت و پشتیبانی از طرف ایران به اسرائیل می‌شد. صفحه ۵۷ این کتاب نیز به این مطلب اشاره دارد که گروگان‌گیری اعضای سفارت امریکا به روند بهبود مناسبات بین شوری و کشورهای منطقه، که از خطر انقلاب در هراس بودند، سرعت بخشید. باز این از آن مسایلی است که نمی‌دانم چه ربطی به گروگان‌گیری در تهران و بعد روند بهبود مناسبات کشورهای منطقه با اتحاد جماهیر شوروی داشته است.»

ابراهیم متقی، عضو هیات علمی دانشگاه تهران از دیگر منتقدان این نشست بود که در ابتدای سخنان خود از این که یکی از موضوعات اساسی کشور که بحث مربوط به

عراق برای آغاز جنگ که توسط خود دکتر درویشی انجام شده به جای این که فصل ششم باشد، باید به عنوان فصل اول کتاب قرار می‌گرفت. او باید بگوید که جنگ در چه فضایی شکل گرفته است و علاوه بر این، باید تغییرات محتوایی به روز شود. یعنی باید یک روایت براساس ذهنیت‌های جدید و براساس ادبیات موجود تفهیم شود.» وی با ضعیف دانستن منابع موجود در کتاب، گفت: «منابع برای سال ۱۳۸۰ هم ضعیف بوده و برای سال ۸۶ بسیار ضعیف است. باید کسانی که در قالب این مجموعه همکاری کردند با توجه به این که به لحاظ قابلیت علمی در یک فضای تعهدی جدی ارتقاء پیدا کرده‌اند، این ارتقاء را در کتاب هم منعکس کنند.»

دکتر متقی افزود: «امروز اسناد وزارت امور خارجه عراق و اسناد وزارت امور خارجه در ارتباط با موضوع عراق کاملاً در دسترس است. تمام بحث‌هایی که سیستم وزارت امور خارجه آمریکا و دفتر حفاظت منافع عراق در آمریکا داشته در دسترس است؛ چرا این وضعیت برای چاپ ۱۳۸۴ در نظر گرفته نشده است. اعتبار یک کتاب زمانی بیشتر می‌شود که حرف جدیدتری بزنیم.»

در ادامه نشست، دکتر درویشی نویسنده و گردآورنده کتاب، در جواب پرسش دکتر ملکی مبنی بر این که صدام در جنگ چه هدفی را دنبال می‌کرد؟ گفت: «مبنای کار ما ارزیابی جنگ عراق علیه ایران بود و نمی‌توان این جنگ را یک پدیده تک علتی دانست. اعتقاد ما بر این بود که عراق یک طیفی از اهداف را تعقیب می‌کرد که اگر حداقل و حداکثری برای آن در نظر بگیریم، حداقل آن بازنگری قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر بود که صدام می‌گفت باید مورد تجدیدنظر قرار بگیرد و حداکثر آن این است که صدام این امید را در دل داشت که انقلاب اسلامی را از بین ببرد.»

درویشی در خصوص تکیه گاه صدام هم گفت: «من هم با نظر شما موافقم و می‌پذیریم که باید با ظرافت بیشتری، این مطلب در کتاب پرداخته می‌شد.»

وی در خصوص اعمال اصلاحات در تجدید چاپ کتاب متذکر شد: «باید اصلاحات با هماهنگی نویسنده اعمال شود، اما متأسفانه در کشور ما وقتی کتابی به چاپ می‌رسد ارتباط نویسنده و ناشر قطع می‌شود.»

راهی را به صورت جدی پیگیری کنند. اما وقتی راه طی شده در ایران را با راه طی شده در خیلی از کشورهایی که سابقه جنگ راپشت سر گذاشتند مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم که به چند دلیل از جمله به لحاظ کمیت تأثیر گذاری و تداوم، کم کاری شده است. نکته جالب توجه این است که امریکایی‌ها جنگ‌های تاکتیکی را در همان فضای تاکتیکی مورد بررسی قرار می‌دهند. اما جنگ استقلال‌شان، نماد حماسی و افسانه‌ای پیدا کرده و هنوز جرج واشنگتن را به این دلیل مورد ستایش قرار می‌دهند که فرمانده جنگ‌های استقلال بوده است. عکس او به این دلیل بر روی اسکناس‌های آنهاست که توانست در سال ۱۹۷۶ و در یک جنگ ۷/۵ ساله، استقلال کشور را تثبیت کند. این وضعیت را در شوروی هم می‌بینیم. اگر ما یک تابلو می‌کشیم، آنها مجسمه‌های چندین متری به عنوان خاطرات جنگ بنا می‌کنند و شاید یکی از بهترین نمایشگاه و موزه‌های جنگ دنیا را کره شمالی و روسیه داشته باشند.»

دکتر متقی با اشاره به این مطلب که باید مطالب مربوط به کتاب‌ها، رویکردها و تحلیل‌ها همواره در حال بازسازی باشند و به نتایج جدیدتری برسند، گفت: «این کتاب، سه بار تجدید چاپ شده اما تغییری به صورت جدی در آن انجام نشده است. هر چند که آثار مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ فراتر از کتاب و به عنوان آثار مؤثر و هویتی تلقی می‌شوند، اما چنین وضعیتی را یک نقطه منفی برای این مرکز می‌دانم. مجموعه‌ای که کار را جدی در پیش گرفته باید جدی‌تر ادامه دهد و سطح آن را ارتقاء دهد و این منطقی را در هر چاپ منعکس کند.»

وی با اشاره به کتاب نظریات متعارض در روابط بین‌الملل گفت: «این کتاب چندین بار تجدید چاپ شده و هر بار به صورت جدی متحول شده است؛ موضوع و عنوان یکی است، اما موضوعات جدیدتر در آن گنجانده شده است.»

این استاد دانشگاه در خصوص قالب ساختاری کتاب گفت: «وقتی به این کتاب نگاه می‌کنیم می‌بینیم تنظیم قالب‌ها به خوبی انجام نگرفته است. آقای درویشی چون مسئولیت سر ویراستاری این کتاب را عهده دار بوده تواضع کرده، در حالی که کار علمی تواضع نمی‌پذیرد. به نظر بنده، بخش مربوط به بحث‌های تمهیدات سیاسی و نظامی



مختلفی اجرا شد و من در عملیات های مختلفی شرکت داشتم. اگر عنوان کتاب، نبردهای شرق کارون است، باید حضور نیروهای ارتشی در آن لحاظ شود. در سوم آبان ۱۳۵۹ نبردی با ویژگی های خاص و منحصر به فرد با تداعی فکری و الهام از ایشان و از خود گذشتگی همراهان حضرت سید

الشهدا (ع) اجرا شد. کتابی نیز به نام گردان ۱۴۴ به فرماندهی سرگرد شاهین راد در سال ۱۳۸۰ نوشته و توزیع شد. در آنجا برآورد شده، هدف عراق از آمدن به شرق کارون، آبادان است. عقیده شخصی خود من نیز این است که هدف دشمن شهر خرمشهر نبود، زیرا یک واحد نظامی تا آن جایی که بتواند از جنگ و نبرد در داخل شهر اجتناب می کند، مگر این که مجبور باشد. اگر دشمن به شرق اروندرود می رفت و از بهمن شیر عبور می کرد، مسلماً خرمشهر را هم تصرف می کرد. بنابراین هدف اولیه، عبور از بهمن شیر بود. وی افزود: «به دلیل این که گردان های لشکر ۷۷ و ۱۵۳ در راه بودند و برای این که فرصت به دست آوریم و نگذاریم لشکر ۳ عراق به راحتی از بهمن شیر وارد جزیره آبادان شود، دست به انجام عملی زدیم، با علم به این که توان و استعداد لازم این کار را نداریم. در آنجا از ۱۹ فرمانده گردان ۱۴۴، فقط چهار نفر زنده ماندند. مجسم کنید که آن چهار نفر هم فرماندهان رزمی نبودند. یک چنین نبردی، بدون همراهی حتی یک واحد تانک با ۶۳ شهید رقم خورد. اما اسمی از این نبرد در این کتاب آورده نشده است.»

امیر مفید در ادامه جلسه نقد و بررسی گفت: «شاید نویسنده بگوید که ما دسترسی به این منابع نداشتیم. در حالی که کتاب گردان ۱۴۴ در سال های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱، دو بار چاپ شده است. ضمن این که مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، کتاب گزارش کوتاه را برای راهیان نور تهیه کرده است که در این کتاب به نقش ارتش در این نبرد اشاره شده است.»

■ نقد و بررسی کتاب «نبردهای شرق کارون به روایت فرماندهان»

نشست بررسی و نقد کتاب «نبردهای شرق کارون به روایت فرماندهان» بعد از ظهر یکم اسفند ۱۳۸۶ در محل پایگاه اطلاع رسانی جنگ برگزار شد. در این نشست، چند تن از صاحب نظران سپاهی و ارتشی درباره این کتاب مباحثی را مطرح کردند و سید علی بنی لوحی، نویسنده کتاب، توضیحات لازم را ارائه کرد.

دکتر اردستانی، رئیس مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، در این جلسه شنیدن نقد را برای نویسندگان تذکر، یادآوری، اصلاح و بعضاً تلخ دانست و نتیجه آن را برای همه از جمله ناشر، نویسندگان و منتقدان، راه گشا و مفید ذکر کرد. به نظر ایشان حوزه علوم انسانی، بدون نقد، هیچ گونه توسعه ای نخواهد یافت. چرا که افراد به رغم توانایی علمی، تنها می توانند از یک منظر به موضوع نگاه کنند.

وی دلیل خالی بودن جایگاه نقد آثار علمی را به فرهنگ عمومی و سیاسی کشور دانست و اظهار داشت: «امروز فرهنگی بر ما غالب است که تصور می کنیم همه چیز را بهتر از دیگران می دانیم. همین تصور سد راه پیشرفت ما در بخش های مختلف است؛ اما باید قبول کنیم که آنچه ما می بینیم، می پنداریم، می نویسیم و می گوئیم می تواند از منظر دیگر، به گونه ای دیگر مطرح شود.»

امیر مفید، فرمانده سابق اطلاعات و عملیات ارتش جمهوری اسلامی در قرارگاه کربلا، گفت: «در نقد کتاب سه اصل باید مد نظر گرفته شود؛ نداشتن پیش داوری، صداقت داشتن و همچنین مطالعه سایر کتاب هایی که در این زمینه نوشته شده است.» به نظر ایشان، یکی از ضعف هایی که کتاب های دفاع مقدس دارند این است که اکثر نویسندگان فراتر از مسئولیت و دانش خود در زمان جنگ می نویسند. اکثر نویسندگانی که فراتر از مسئولیت و دانش خود در زمان جنگ کتاب می نویسند، اغلب مسئول محور، فرمانده گردان و لشکر بوده اند. اما امروز می بینیم که محور کتاب های آنها درباره دیدگاه های فرمانده کل قوا و یا فرمانده کل منطقه است. کتاب نبردهای شرق کارون هم از این امر مستثنی نیست.»

وی در ادامه اظهار داشت: «در شرق کارون، نبردهای

اشاره‌ای نشده است. این در حالی است که عراقی‌ها هم متوجه این مسئله شده بودند. بنابراین این کتاب نمی‌تواند جامع باشد. به نظر من باید اسم دیگری برای این کتاب انتخاب شود. بعد گله مند هستیم که چرا عراقی‌ها و خارجیان می‌گویند ما از امواج انسانی استفاده کردیم چرا که خود ما هیچ اشاره‌ای به سازمان رزم و پشتیبانی مان نمی‌کنیم. در واقع، خود ما آنها را به این شکل راهنمایی می‌کنیم.»

این منتقد کتاب در ادامه با ذکر صفحاتی از کتاب گفت: «در صفحه ۱۲۷ کتاب می‌خوانیم که «عملیات توکل» یکی از سه عملیات گسترده ارتش جمهوری اسلامی ایران است. در این عملیات از نیروهای ارتش فقط ۵ گردان مانوری و ۲ گردان توپخانه حضور داشتند و این عملیات، گسترده نیست. در صفحه ۱۳۰ می‌خوانیم: تفکر کلاسیک به دور از ابتکارات و خلاقیت‌هاست و در جای دیگر ضعف نیروهای ارتش در شکستن خطوط دشمن و رخنه در مواضع ارتش عراق با توجه به حجم نیروهای مانوری با پشتیبانی ضعیف می‌تواند تداعی کننده مطالب بسیار مهمی از این نبرد باشد. در حالی که یک نظامی پژوهشگر، اگر بخواهد نظر بدهد، به عوامل دشمن، زمین عملیات و عوامل نیروهای خودی و زمان عملیات توجه می‌کند. همچنان که می‌بینیم، این تفکر در بعضی نبردهایمان کارآیی ندارد. نکته دیگر در صفحه ۱۳۹ و درباره عملیات فرمانده کل قواست. انگار که همین سه گروهان ۹۰ نفره بودند که عملیات را اجرا کردند و به حضور گردان ۲۱۴ و ۲۹۱ تانک و عناصر ژاندارمری و واحد توپخانه در پشتیبانی عملیات توجهی نشده است.»

وی اظهار داشت: «شکی نیست که قبل از عملیات، لشکر ۷۷ در منطقه عملیاتی ثامن الائمه مستقر بوده است. مسلماً هر واحد در جایی که مستقر شود برای خود طرح‌ها و ایده‌هایی پیاده می‌کند. لشکر ۷۷ که به منطقه می‌آید چه به او رسماً ابلاغ شود، چه فرمان امام (ره) در شکستن حصر آبادان و چه ماموریت خودش باشد، قبل از این ابلاغ، ماموریتی برای کار و هدف خود دارد. لازم است اشاره شود که در آن منطقه فقط دو پل بود که می‌توانست هدف و حساس‌ترین عارضه این منطقه باشد. پس با توجه به این مشخصات، مانور در این موقعیت، نیاز

وی افزود: «اگر من، محقق و پژوهشگر چنین کتابی بودم که قرار است در کلاس‌های آموزشی به عنوان یک منبع استفاده شود، حتماً به دیگر منابع و کتاب‌ها مراجعه می‌کردم.»

امیر مفید گفت: «در کتاب نبردهای شرق کارون» اشاره شده است که در اوایل جنگ، سپاه تجهیزات کافی نداشت و آنها وقتی از ستاد لشکر ۹۲ آربی جی خواستند به آنها ندادند. در حالی که ستاد لشکر ۹۲، واحد تدارکاتی نیست؛ اگر آربی جی داشت به تعداد سربازهایش داشت و اگر می‌خواست بدهد باید از دست سربازهایش می‌گرفت و این کار درستی نیست.»

به گفته ایشان، یکی از نقاط قوت این کتاب توجه به معنویات است که خیلی خوب تشریح شده است. نویسنده همچنین وارد جزئیات شده و حتی به نیش پشه‌ای که در کانال، مزاحم رزمندگان شده، اشاره کرده است؛ اما با توجه به این دقت و موشکافی، به نقش نیروی هوایی، هوانیروز و دیگر واحدها که مسلماً در

نبردهای شرق کارون اثرگذار بودند، توجهی نکرده است. پس به طور قطع، چنین کتابی جامع نیست. زیرا ما قبول داریم که رزم از مانور، سلاح، ادوات و پشتیبانی تشکیل می‌شود؛ اگر یکی از آنها را بگیریم آن یکی معنا نخواهد داشت. عجیب است که در این کتاب به لشکر ۷۷ اشاره‌ای نمی‌شود. اما از تیپ ۳۷ که یک گروه در حد یک گردان بوده صحبت می‌شود. چرا؟ نمی‌دانم!»

امیر مفید افزود: «در صفحه ۱۸۰ کتاب، اشاره شده که در اسناد به دست آمده از ارتش عراق آمده است، به کارگیری نیروهای پیاده به شیوه‌ای بسیار عالی و در حد زیاد و به کارگیری توپخانه سنگین به طور موثر بوده است؛ اما در این کتاب به نقش توپخانه و پشتیبانی ارتش

دکتر اردستانی:

حوزه علوم انسانی،

بدون نقد، هیچ‌گونه

توسعه‌ای نخواهد یافت؛

چرا که افراد به رزم توانایی

علمی، تنها می‌توانند از یک

منظر به موضوع نگاه کنند

عملیات ثامن الائمه (ع) در پایگاه هوایی دزفول با حضور مقام معظم رهبری، سرهنگ ظهیر نژاد، علی اکبر پرورش و شهید منتظری برگزار شد. طرح سپاه برای شکستن حصر آبادان به تصویب رسید و سرهنگ ظهیر نژاد گفت که این طرح باید به لشکر ۷۷ خراسان برود و آنها توجیه شوند. از آن پس شهید حسن باقری برای توجیه لشکر ۷۷ به ماهشهر رفت.

وی در خصوص این که گفته شد کتاب از نظر علمی ارزش ندارد، اظهار داشت: «آیا کتاب، منبع و زیرنویس ندارد؟ آیا در سال ۱۳۷۳ کتابی درباره ارتش نوشته شده بود که به عنوان منبع از آن استفاده شود؟ معتقدم این کتاب، هم از نظر علمی و هم از نظر

محتوایی قابل دفاع است. همچنین به اشاره ای که در این کتاب به جنگ انقلابی شده، ایراد گرفتند. منظور از جنگ انقلابی تفکر انقلابی است. در آن زمان ناچار بودیم رویکرد را عوض کنیم. زیرا در محاسبه توان رزم از نظر فیزیکی اصلاً قابل مقایسه با عراقی ها نبودیم. رزم کلاسیک می گوید حداقل باید در برابر دشمن ۳ به ۱

باشید. آیا ما این توان را داشتیم؟ لازم بود آن رویکرد را تغییر بدهیم و به یک رویکرد جدید روی آوریم که اسمش را تفکر انقلابی گذاشتیم.»

امیر فضل الله شاهین راد در نشست بررسی و نقد کتاب «نبردهای شرق کارون» افزود: «مطالب کتاب از نظر بیان و تشریح فرهنگ ایثار و شهادت طلبی، بسیار زیبا ارائه شده است و از نظر تنظیم مطالب، یادداشت ها، و مصاحبه ها برای نیروهای رزمنده مردمی قابل تقدیر است.»

نویسنده کتاب گردان ۱۴۴ اظهار داشت: «چون نقد و بررسی کتاب نبردهای شرق کارون از منظر علمی صورت می گیرد، لذا من هیچ وقت نمی توانم بگویم که در

به خلاقیت ندارد. سپاه طرحی برای خودش داشت، ما حرفی نداریم. ولی آیا در این کتاب، از لشکر ۷۷ هم اسمی برده شده است؟ در جایی دیگر و در صفحه ۱۶۰ این کتاب آمده است: اینان شم نظامی نداشتند، هر چند که نظامی بودند، اما درک نظامی نداشتند و عمدتاً قدرت تفکر تاکتیکی داشتند و قدرت تفکر استراتژیک نداشتند. می خواهم بگویم هر کسی که قدرت تفکر تاکتیکی دارد به طور قطع شم نظامی هم دارد. در منطقه ۱۵۰ کیلومتری شرق کارون با این واحدهای خیلی محدود، تفکر استراتژیک کجاست؟»

سردار هادی مرادپیری در این نشست با اشاره به منابع مورد استفاده در این کتاب گفت: «در تهیه و تدوین کتاب نبردهای شرق کارون از کتاب های ارتش و سپاه و بیش از صد نوار مربوط به عملیات های شرق کارون، استفاده شده است و بیش از ۸۰ درصد مطالب کتاب برگرفته از خاطرات فرماندهان است.»

وی افزود: «در تدوین این کتاب سعی کردیم کمترین چالش ایجاد شود و خوشبختانه کتاب در مقطعی نوشته شد که توانستیم از دیدگاه برادران ارتشی خود یعنی امیر قویدل، امیر مفید و امیر بیگی استفاده کنیم.»

به گفته ایشان، این کتاب در ابتدا در دو جلد برای آموزش دوره های عالی آموزش دفاع و جنگ (دافوس) و در ۳۰ هزار نسخه تهیه شده بود. اما به درخواست سردار رحیم صفوی به یک جلد و برای استفاده عموم، تلخیص شد. وی تهاجم، توقف و تغییر تاکتیک ارتش عراق، محاصره آبادان، تشکیل جبهه شرق کارون، محورهای عملیاتی شرق کارون، طرح ریزی و اجرای عملیات های محدود و طراحی و اجرای عملیات ثامن الائمه را از مباحث مهم کتاب ذکر کرد.

سردار هادی مرادپیری در مورد عدم واگذاری تجهیزات نظامی به سپاهیان گفت: «می دانیم که این تفکر بنی صدر بود که سپاه تقویت نشود. به همین دلیل به سپاه تجهیزات نمی دادند. مثلاً ما را به پادگان سرپل ذهاب راه ندادند و آن شب ما زیر چادر بمباران شدیم. همچنین گفته شد که به لشکر ۷۷ و بحث طراحی عملیات ثامن الائمه (ع) اشاره نشده است، اما می بینیم که در صفحه ۱۷۳ کتاب آورده شده که جلسه طرح ریزی

امیر مفید:
در نقد کتاب سه اصل باید مدنظر گرفته شود؛ نداشتن پیش داوری، صداقت داشتن و همچنین مطالعه سایر کتاب هایی که در این زمینه نوشته شده است

غلط گیری به چاپ رسید.»

وی در ادامه به نقش ارتش در آمادگی نیروها در صحنه نبرد و به شهید خرازی اشاره کرد و گفت: «حسین خرازی به این دلیل حسین خرازی شد که سرباز صفر لشکر ۱۶ زرهی بود. وقتی به سربازی رفت یک سال به او مرخصی ندادند. شهید خرازی در دوره سربازی یاد گرفت که چگونه آب و نان بخورد.» سردار بنی لوحی افزود: «ارتش افتخار جمهوری اسلامی است. اصلاً مگر می شود جمهوری اسلامی بدون ارتش باشد. خدا را شکر می کنیم که در جمهوری اسلامی بحث بین ارتش و سپاه، بحث خدمت است. شهید منفرد نیاکی همیشه می گفت: اگر شما بند پوتین هایتان را ۳۰ سال تا آخر بستید، مردید. در آن موقع من جوان بودم و او ۵۵ سالش بود.»

نویسنده کتاب نبردهای شرف کارون گفت: «من سعی کردم این کتاب منصفانه تدوین شود. البته من با عینک خودم پیش رفتم. در صفحه ۱۲۵ کتاب که به عملیات توکل می پردازد، از کتاب ها و منابع ارتش استفاده کردم. در صفحه ۱۱۳ این کتاب هم آمده است که خلبانان هوانیروز بسیار شجاع بودند. به گونه ای که بچه های ما تحت تأثیر آنها قرار می گرفتند. خلبانی به نام ناصر بود که عموماً فرماندهی عملیات ها را به عهده داشت و بدون ترس تا عمق مواضع عراقی ها پیشروی می کرد و آنها را به موشک می بست. همچنین در صفحه ۸۰ کتاب به عملیات فرمانده کل قوا اشاره شده است. از این عملیات تنها ۳ نفر زنده برگشتند. وقتی نیروهای ارتش حضور نداشتند، چگونه از آنها بنویسم؟ در صفحه ۱۶۰ این کتاب آمده که ارتشی ها شم نظامی ندارند، این تحلیل دیگران است و در پانویس کتاب هم ذکر شده که این تحلیل در دوره بنی صدر بود اما زمانی که بنی صدر فرار کرد دیدگاه ها تغییر کرد. گفته شد در این کتاب به لشکر ۷۷ اشاره نشده است، اما در صفحه ۱۷۵ کتاب اشاره شده که نام عملیات ثامن الائمه از طرف ارتش پیشنهاد شد و سپاه هم پذیرفت.»

وی در ادامه افزود: «جنگ انقلابی به این معنا نیست که ما تکنولوژی را قبول نداریم. بلکه منظور این است که در کجای دنیا می توانید فرهنگ بسیجی را پیدا کنید. شهید خرازی عملیات کربلای ۵ را عملیات عاشقانه نامگذاری

عملیات ثامن الائمه (ع) این گونه بودم و در عملیات رمضان نتوانستم آن گونه باشم. یعنی علمی که به کار می گیریم و در دانشکده ها تدریس می کنیم، علم ماوراء الطبیعه نیست. علمی است که در سطوح بین المللی تجربه و پذیرفته شده است. بر همین مبنا می توانم بگویم که این کتاب فاقد ارزش علمی می باشد. زیرا اینجا نمی توانیم شخصیت فرماندهان را آنالیز کنیم و پارامترهایی را پیدا کنیم و بعد بگوییم اگر این شرایط و این موقعیت بود، این کار انجام می شد.»

امیر شاهین راد گفت: «از بعد علمی، علم نظامی می گوید اگر نیروهای صدام یک سال نتوانستند در سرپل بایستند و آن را به تصرف در آورند، اگر در ظرف ۴۸ ساعت سرپل را توسعه دادی و به هدف رسیدی، برو، و الا برگرد. در سرپل جزیره فاو، ما این کار را انجام دادیم و تا آخر مقاومت کردیم. پس علم ثابت است و هیچ بحثی در آن نیست. اما علوم ماوراء الطبیعه چیزی است که من و امثال من قادر نیستیم آن را تشخیص بدهیم.»

سردار سید علی بنی لوحی، نویسنده کتاب، گفت: «در چاپ سوم کتاب (نبردهای شرف کارون) که به زودی منتشر می شود، ۷۰ صفحه به بخش عملیات ثامن الائمه اضافه می شود.» وی با اشاره به سخن مقام معظم رهبری که فرمودند: «اگر دشمن به این طرف کارون نیامده بود و این کار خطرناک را نکرده بود، مسلماً ضربه سخت عملیات ثامن الائمه (ع) را نمی خورد»؛ اظهار داشت: در نبرد های شرف کارون بیش از ۳۰۰ فرمانده گردان تربیت شدند. به گفته وی، «وقتی عراقی ها به این طرف کارون آمدند ما غافلگیر شدیم. آنها جاده ها را بستند و اتوبوس ها را نگه داشتند و مردم را، از جمله حدود ۱۰۰ نفر از اهالی روستاهای محمدیه و سلمانیه، اسیر کردند. البته پس از دو ماه حدود ۸۰ نفر زن و بچه را کنار کارون آزاد کردند. من آن زمان به مدت یک سال در دارخوین ماندم و به اصفهان رفتم، در واقع این کتاب حاصل آن روزهاست.»

سردار بنی لوحی درباره نقدهای مطرح شده در مورد کتاب اظهار داشت: «تذکرات، بسیار مفید و منطقی بود. اگر کسی توانش را داشته باشد نقدها را جمع آوری و کار را اصلاح می کند. نه مثل چاپ دوم این کتاب که بدون

به گفته وی؛ وقتی عموم منابع تاریخی سپاه و ارتش را در دوره اول تاریخ نگاری مورد ارزیابی قرار می دهیم، یک نوع یک سویه نگری بدون غرض را در آنها آثار شاهد هستیم که محصول دانش و آگاهی نویسنده نسبت به آن پدیده است. اما دوره بعدی تاریخ نگاری که هنوز به طور جدی به آن وارد نشده ایم این است که ما ادبیات و شواهد مختلفی از جریان های مختلف را جمع آوری کنیم. او در ادامه افزود: «یکی از موضوعاتی که در کتاب نبردهای شرق کارون به آن اشاره شده است، طیف هایی از نیروهای ضد انقلاب است. اخیراً کتابی به نام نگاه به جنبش چپ از درون خاطرات محسن رضوانی، رهبر حزب رنجبران، به چاپ رسیده است. در خاطرات محسن رضوانی آمده است که ما، در ماه های اولیه جنگ حمایت مان را از جنگ اعلام کردیم و در جنگ شرکت کردیم. اما؛ باین هدف که بتوانیم در جنگ آموزش بینیم سلاح سرق کنیم و خودمان را برای مقابله با جمهوری اسلامی آماده کنیم. اما ذکر فعالیت های این جنبش در این کتاب نیامده است.»

بنا به گفته وی: «اگر دوره دوم تاریخ نگاری را به سلامت بگذرانیم، باید به سراغ دوره سوم تاریخ نگاری برویم و اسناد و اطلاعاتی را که عراقی ها درباره ما در کتاب های خودشان گفته اند با کتاب های به چاپ رسیده در مراکز ارتش و سپاه تلفیق کنیم. به این ترتیب، ممکن است بسیاری از سوء تفاهمات و احیاناً نادیده گرفتن ها رفع بشود.»

■ مجموعه کتب جنگ ایران و عراق از نگاه مطبوعات جهان*

پژوهشگاه علوم و معارف بنیاد حفظ آثار و ارزش های دفاع مقدس در نخستین گام های عملی خود در سالروز فتح خرمشهر با حرکتی نوآورانه، اقدام به انتشار ۳ جلد کتاب از مجموعه جنگ ایران و عراق به روایت مطبوعات جهان نمود.

بدیع بودن انتشار این مجموعه، ریشه در نوع نگاه جدید پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس در عرصه غنی سازی منابع آشکار جنگ ایران و عراق دارد که با توجه به حجم بالای اخبار و اطلاعات موجود، شیوه های

کرده بود، حالا این اصطلاح در کدام فرهنگ لغت می گنجد؟ من امیدوارم نتیجه این جلسه نقد، در چاپ سوم مثمر تر و مفید باشد.»

امیر مسعود بختیاری در ادامه این نشست اظهار داشت: «اخیراً در کتاب هایی که درباره دفاع مقدس نوشته می شود با واژه جنگ انقلابی مواجه می شویم. استدلال این نویسندگان از آوردن این واژه این است که چون جنگ در سال اول کلاسیک بود و جواب نداد ما استراتژی جنگ انقلابی را تا پایان جنگ در پیش گرفتیم. من معنی این واژه جنگ انقلابی را در هیچ لغت نامه نظامی ندیدم و نمی دانم تعریف آن چیست؟ خیلی مایلیم بدانم این واژه چه تعریفی دارد. زیرا همه جنگ ها تعریف دارند.» وی افزود: «جنگ کلاسیک را می توان بر مبنای آیین نامه، آموزه ها و روش ها تعریف کرد. اگر منظور روحیه انقلابی رزمنده است که این همان واژه ای است که در لغت نامه نظامی به نام سرباز آورده شده است. اما شیوه های تاکتیکی و استراتژی جنگ انقلابی چیست؟ خوشحال می شوم اگر بدانم رسته های مختلف نظامی با توجه به تخصص رزمی شان چگونه انقلابی می جنگند. ما تا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ عملیات انجام دادیم. از این نویسندگان می پرسم آیا این عملیات ها با شیوه انقلابی جوابگو و مطلوب و مطابق خواسته بودند یا نه؟»

یعقوب توکلی، یکی دیگر از شرکت کنندگان در این نشست گفت: «ما در حوزه هنری تبلیغات اسلامی، مطالعه نسبتاً جامعی بر روش های تاریخ نگاری انجام داده ایم که در این تحقیقات، روش های تاریخ نگاری، شکل گیری یک تاریخ و یک جریان به طور کامل مشخص شده است. در دوره های اول تاریخ نگاری عموماً کسانی که روایت می کنند، روایت، وضعیت و موقعیت خودشان را بیان می کنند و این کاملاً طبیعی است، زیرا که در بیان روایت خودشان را می بینند. یکی از اصلی ترین آسیب های خاطره نگاری و نگارش تاریخی این است که روایت کننده در گام های اولیه نگارش تاریخ و خاطره، خودش را می بیند و به طور طبیعی اطرافیان خودش را نخواهد دید. این جزء ذات نگارش تاریخ در دوره اولیه بود.»

* این گزارش توسط آقای جواد زمان زاده تهیه شده است، که از همکاری ایشان با فصلنامه قدر دانی می شود.

جنگ شروع و به طور عمده با دید تبلیغاتی سازماندهی شده بود، با شکل‌گیری مرکز ملی اسناد در زیر مجموعه معاونت تحقیق و پژوهش بنیاد حفظ آثار و سپس پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، با رویکرد پژوهشی مورد بازبینی جدی تر قرار گرفت و با بهره‌گیری از نظرات اصلاحی و تکمیلی مترجمین توانمند و با سابقه، ساماندهی و با محور قرار گرفتن سیر تاریخی، تنظیم و ارایه گردید. ناشر این مجموعه در مقدمه کتاب‌های فوق آورده است:

«در این مجموعه تا حد امکان از حذف و تغییر اطلاعات و اخبار توهین‌آمیز، متناقض و یا خلاف واقع، به دلیل آشنایی بیشتر کاربران و محققان با ادبیات به کار گرفته شده و خوی محافل خبرساز جهانی در هر مقطع زمانی، پرهیز گردیده است.»

در خاتمه جا دارد تا از کلیه دست‌اندرکاران و مسئولین نشر این مجموعه نوآورانه در عرصه تحقیق و پژوهش جنگ ایران و عراق تقدیر نمایم. شایان ذکر است که با توجه به اعلام نظر مسئولین بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، سیزده عنوان دیگر از این مجموعه تا پایان شهریور ماه سال جاری در هفته دفاع مقدس منتشر و در اختیار محققان قرار می‌گیرد و سایر کتاب‌های این مجموعه ۵۰ جلدی، تا سال آینده با حرکتی مداوم و مستمر به جامعه پژوهشگران این حوزه مطالعاتی عرضه می‌شود. امید است در سال خلاقیت و شکوفایی، این قبیل گام‌های نوآورانه، بیش از پیش مورد حمایت و عنایت قرار بگیرد.

آسان و سریع را در این خصوص اختیار نموده است. کلیه کتاب‌های منتشر شده به همراه لوح فشرده ارایه گردیده است که محققان و پژوهشگران علوم دفاعی و رشته‌های مرتبط با به کارگیری قابلیت‌های وسیع آن می‌توانند در حداقل زمان ممکن، نکات مورد نیاز خود را به شیوه‌های نوین برداشت نمایند. در هر لوح فشرده علاوه بر وجود امکانات متعدد پژوهشی (جستجو، فیشبرداری، ذخیره‌سازی، آدرس دهی و ...) پژوهشگران می‌توانند با استفاده از کلید منبع که در ابتدای متن هر خبر آورده شده، به تصویر متن اصلی اطلاعات (به زبانهای عربی، انگلیسی، آلمانی، فرانسه اسپانیایی و ترکی) دسترسی پیدا کنند.

نکته‌ای که در شیوه اطلاع‌رسانی اتخاذ شده، با توجه به کیفیت ظاهری متفاوت مدارک اصلی حائز اهمیت است، استفاده از حداکثر امکانات الکترونیکی در زمینه اطلاع‌رسانی است که پژوهشگر با استفاده از ابزارهای آن، این امکان را دارد که تصویر اطلاعات اصلی را مورد بهره‌برداری مستقیم قرار دهد. با انتشار این مجموعه، ذکر این نکته - که محققان و پژوهشگران سایر رشته‌های مرتبط اعم از حقوق، روابط بین‌الملل، علوم سیاسی و ... نیز می‌توانند از میان تنوع دیدگاه‌ها، نظرات و تحلیل‌های ارایه شده مطالب مورد نیاز خود را استخراج نمایند - از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و امید می‌رود که در آینده‌ای نزدیک، شاهد تولید فضاها، نظرات و محصولات نوین در حوزه ادبیات دفاع مقدس باشیم.

مجموعه کتب جنگ ایران و عراق از نگاه مطبوعات جهان، برگرفته از اسناد مطبوعاتی و بریده‌های خارجی موجود در مرکز ملی اسناد دفاع مقدس است که پیشینه جمع‌آوری آن به روزهای آغازین بحران و تشکیل دفتر تبلیغات جبهه و جنگ باز می‌گردد. در سال ۱۳۸۴ با ابلاغ راه‌اندازی مرکز ملی اسناد دفاع مقدس ذخیره‌سازی رایانه‌ای اسناد و مدارک موجود شروع شد که مطالب گردآوری شده از جراید، نشریات و خبرگزاری‌های جهان نیز از آن جمله بود. گردآوری و مستندسازی اخبار و تحلیل‌های مطبوعات جهان که از همان سال ابتدای